

شد اول اقدام آنها عبارت بود از تشکیل سیستم و اصول مالوك الطوايفى كه بموجب آن هرايالت داراي دو نفر وزير ميباشند . يكي از اين وزراء مسئول هيئت مقننه ايالتى و فاقد هرگونه قدرت و اختيار و ديگرى مسئول اولياء دولت برطانيا و واجد هرگونه قدرت و اختار در هر كارى بود .

حکومت ميتوانست تمام تصميمات و اوايح مصوبه به هيئت مقننه را در صورتى كه ببطر او مخالف مصالح امپراطورى برطانيا جلوه گر ميشد رد كند . از طرف ديگر هرگونه لايحه اى را كه براي حفظ مصالح دولت مذکور لازم مى داشت با ميل خود تصويب هيئت مقننه پيرسايد ( ۱ )

رتيباتى مشابه اين هيئت مقننه مركزى را فاقديمام قوا و قدرت ها بود . در اينجا در حفظ رادى تعلق محفوظ بود و تمام اختيارات در دست يك نائب الساطه باقى ماند . نوي اختيار داده شد كه هر قدمى را براي حفظ مرفع برطانيا لازم نداند . مايد ولو اقدام مذکور باهاة آراء از مجلس مقننه رد شود اختيار داشت بهر اداره ميل اند ولو در خلاف تصويب مجلسى . محاسن مذکور هم باشد . ماليات و صم كند . اداره مخارج ، ماليات و بودجه دائمه را از هدايت محس كند .

مديرواست محس و هادى هائى را كه مجلس رد کرده بود ميل خود پيردارد ، هكوى كه رايورف اين تشكيلات عديب كه هادى مردم وده و هدايتت ما هيد ، اى رى بود مختارى هيا له اكلستن دسد دكدر رور مورد كوى از هدايت پكرامان پدس كوف . ه در هان ، ربيع حيايت شريف هيج متاعدا هيكيم كه دولتى چيون ، ريك شراره اميرى را در مورد يك نائب عظمى عملى كند . در مقابل جان ندرى ها و حدمات هدرستان در موقع حيك هداى ايماء و عده اساسى مشروطيتى ه هون ، خلاف آرادى و دمو كراسى و مننى بر ظلم و ستم آردى در هدرستان بر فراد موديم ه ( ۲ )

محافظة كازان افراطى براي هدايت اين اصول ميگويند . پيش از اين مردمى هادى و بسواد براي اشخاص ما ينده اختيار دادن بى فايده و احياا

( ۱ ) راپورت سيمون مطبوعه لندن ۱۹۳۰ دوم ص ۱۹۱۴۰

( ۲ ) دائره المعارف برطانيكا طبع ۱۹۱۴ جلد ۱۲ ص ۱۶۷

مضر میباشد وای فراموش کردند خمس علیه‌هیئت مقننه و نصف عده شورای ایالتی از طرف دولت بریتانیا تعیین میشدند: فراموش کردند که قانون انتخابات هیئت مقننه طوری تنظیم شده بود که از ۲۵۰ نفر بگنفر حق رای داشت و شورا ایالتی بنسبتی خیلی کمتر از این انتخاب میشده کسانی که حق رای در انتخابات داشتند بچند دسته تقسیم میشدند: هندو، مسلمان، مسیحی، اروپائی و غیره هر يك از این دستجات میباشد چند نفر نمایندگ که هیچ تناسبی بعهده و جمعیت آنها نداشت انتخاب کند. هر يك از افراد نمایندگان فقط موظف بنظارت در مسائلی بود که ربطی بملکین خود او داشت: پوشش و جود که در آن موقع یکی از اعضاء پارلمان بود راجع باصلاحات چین گفت. در اثر این لایحه هندوستان هلی بگلی معلوم و بجای آن چند دسته مشوش و بی انتظام از هندی، مسلمان، مسیح، مهراتا، برهمنی، غیر برهمنی، اکالیسی در آسیر زمین برقرار شده است (۲)

بعضیها از لحاظ دفاع از این اصول ستمکارانه مدعی بودند که باین ترتیب حقوق مسلمین که عده آنها خمس عده هندوها ادت محفوظ میباشد، حقیقت اینستکه عملا هندوها مستحق مراقبت و حفاظت بودند و لازم بود آنها را از تجاوزات مسلمین محفوظ داشت. در نتیجه این اصلاحات جامعه هندوستان بچند فرقه که هر يك برضد دیگری بود تقسیم گردید.

این نتیجه‌ای بود متناسب حکمگذاری يك دولت اجنبی بدون اینکه دولت مزبور از روی عهد در صدد این استنتاج برآمده باشد. میگویند بر حسب يك اتفاق ناگهانی و بی سابقه‌ای بود که باب سرهنگ ژان گوك قبل از اینکه دولت بریتانیا سرزمین هندوستان را از گهپایی منتزع نماید دستور ذیبار داد و مجاهدات ما باید عملا صرف نوسه و تقویت بین بیگانگی و نفاق که مابین زاده‌ها و بیروان ادیان مختلفه وجود دارد بشود و به‌چوجه نباید در صدد متحد ساختن و مرتبط نمودن آنها برآئیم: اصول پروگرام دولت در هندوستان باید بر اساس (تجزیه کردن و حکومت نمودن) استوار باشد. و آری برای اینکه رعایا و توده ملت مغلوبی را مقهور خویش ساخته و با سهولت حکمگذاری و فرمانرمانی کنید تخم نفاق و اختلاف را در میان آنها پخش کنید میگویند حکمران بریتانیا در بمبئی بر حسب اتفاق و بدون قصد

در سال ۱۸۵۹ دولت متبوعه خود نوبه نمود که تجزیه کردن و حکمرانی نمودن بنیان سیاست دولت امپراطوری روم قدیم را تشکیل میدهد ما نیز سیاست کنونی خود را باید در روی این اساس مستحکم نماییم. باز میگویند بر حسب اتفاق بود که سرژان استراچی نوشت و جسود این فرق و دستجات متخاصم بهلو پهاوی هم در سرزمین هندوستان یکی از مهمترین اصول دیاماسی و پرنسپ سیاسی ما در آن کشور میباشد (۱) آری دولت را نباید مسئول انتظارات یوج و قلط نمایندگانش قرار داد. هیچ کس از افراد هندو نمیتوانست جز وسیله قلم و زبان باین اصلاحات، اعتراض نماید ولی متأسفانه این حق هم از آنها سلب شده بود. اصلاحات مذکور در آزادی قلم، آزادی اجتماع آزادی مطبوعات و هر کوه آزادی و حتی را که اساس و جزو لاینفک آزادی اجتماعی، عدالت و قانون میباشد از دست دهند سلب میشود (۲) هنگامیکه از گوشه و کنار اعتراضات شروع شد و مطبوعات هندوستان نسبت بمواعید دولت مشکوک و فریب خوردن هندوستان را گوشزد کردند حکومت دهلی در سال ۱۹۱۹ وسیله ابلاغیه رولاند همان محدوداتی را که در ایام سنک در سراسر کشور هندوستان موحود بود محدوداً برقرار و حق اجتماع، آزادی قلم و زبان را از اهالی سلب نمود. ابلاغیه مذکور مقرر میداشت که دولت میتواند بعضی کوچکترین سوءظن هر کسی را بخواهد توقیف کند و تا هر وقت بخواهد او را محبوس نماید، محاکمه اشخاص مظنون بطور مخفی و در محاکم رسمی عدله، بلکه در حضور سه نفر قاضی که از طرف دولت معین میشود عمل خواهد آمد. بتهمین هیچگاه اسم شخصی که بانها نهمت وارد آورده اند گفته نخواهد شد و شهود دیگر برصدوی شهادت میدهند بوی معرفی نخواهند کردید: شهود در غیاب متهم شهادت خواهد داد، حضور او، متهم حق ندارد بری اثبات بیگناهی خویش شاهد معین نماید: حکومت می تواند بدون طی مراحل قانونی مجازات برای مظنون تعیین کند و محکوم بدینتراند از حکمی که در راه او صادر شده استیناف بدهد (۳) یکی از محققین

۱ - لاجپانرای ص ۴۰۴ . ساندولاند ص ۲۳۱

۲ - ساندولاند ص ۴۲۳

۳ - ایضا ص ۴۵۵

هندوستان تعیین نمود که این طرز سیاحت و مجازات تماماً عبارت انگلیسیون  
اسپانیا میباشد که اینک در هندوستان برقرار شده ( ۴ ) ابلاغیه مزبور  
مدتها بود ملغی شده بود

### ۴ — انفجار خمپاره

آخرین و مهمترین ضربه ای که بیپکر ناتوان هندوستان وارد آمد  
عبارت بود از قتل عام امریتسار. از آنجا نیکه کیفیت این حادثه تا مدت چندماه  
بعد از وقوع از تمام دنیا و حتی از خود پارلمان انگلیس مستور ماند و چون  
این فاجعه کبرا عامل اصلی و سرچشم انقلاب سال ۱۹۲۱ بود بهتر است  
جزئیات آنرا در طی این مکتوب شرح دهیم در شهر معروف فملسی پنجاب  
اجتماعات زیادی بقصد اعتراض بر علیه پانیه رولات دایر شد. در روز ۳۰  
مارس و ۹ آوریل سال ۱۹۱۹ تعطیل عمومی اعلان و تمام امور مناب  
اعتراض بدولت متوقف گردید. بیکر از مجلس انگلیسی مقیم هندوستان مینویسد  
در ایام تعطیل هیچچیزه آثار شورش و بی انتظامی مشهود بود افراد اروپائی  
با کمال آزادی و بدون اینکه مورد تعرض کسی واقع شوند در میان اجتماعات  
حاضر شده و عبور میکردند. این حادثه نمونه بسیار نادر و عدم اعمال شدت  
و عدم اشتراك مسامی بوده ( ۵ )

در روز ۹ آوریل همان سال حکومتی مبادرت متوقف و حبس دکتر  
کیچاو و دکتر سانیاال که در اجتماعات گذشته نطقهای اعتراضیه ای ابراز کرده  
بودند نمود. هنگامیکه خبر توقیف این زعمین منتشر شد دستجات زیادی در  
گوی و رزن بجنبش درآمدند. کت دست از آنها در صدد بودند که بقوه  
جبری از مرکز پلیس گذشته و خوبستن را بدعی العموم رسانیده و بر علیه حبس  
میتوانان خود اعتراض کنند. در میان آنها کسانی پیدا شدند که بطرف  
بعضی از افراد پلیس سنک و چوب پرتاب نمودند. پلیس با تفک باها جواب  
داد و ده نفر از شورشیان مقتول شد. مردم که آنها را در خون خود آغشته  
دیدند عنان صبر و طاقت را از دست داده، رشته انتظام را کسبخته اموال چند  
نفر را بخوا کرده و پنج نفر انگلیسی را کشتند. پک خانم میانه مورد ضرب و

۶ — ایضا ص ۲۵۱

۷ — گری و پارک ص ۴۹

شتم مهاجرین واقع شد ولی چند نفر هندو او را حمایت نموده و سلامت بمنزلت رسانیدند هندوهای تربیت شده برای اسکاٹ شورشیان بسیار کوشیدند ولی نتیجه نبخشید . صاحب منصفان هندی که در شهر بودند دار طلبیه خود را در خدمت دولت وقف کردند . (۱)

در روز دهم و یازدهم یکصد و ۶۰۰ نفری از قشون شهر را بتصرف درآورد و در روز دوازدهم ژنرال دابر ورونه سو ده و زمام فرماندهی را بکف حمایت گرفت . ولی و در روز دوازدهم آرامش برقرار شده بود و اجتماعات با کمال انتظام و سنگوات ازهم پاشید . ژنرال دار چندین نفر را توقیف کرد در روز سیزدهم بوسیله شهپر حاضراتش تمام اهلی را محتمم نمود . اعلامیه بلند الائی برای آنها فرست کرده و بموجب آن خروج از شهر بدون جواز رسمی ترتیب دادن معاينات و اجتماعات پیش از سه هری را اکیدا ممنوع نمود . در همان موقعی که ژنرال مشغول قرائت اعلامیه خود بود یکصد و ده هزار نفری از روستایان اطراف که یکی از جریان شورش و اوضاع شهر و حربان امور در آن ساعت بی اطلاع بودند برای اجرای مراسم یکی از اعیان مذهبی خود در باغی موسوم باغ جلیانوالا مجتمع شده بودند . (۲) باغ مذکور در آن موقع با پروار هر طرف با دیوارهایی بلند محصور و فقط چند در کوچک در اطراف آن وجود داشت

ژنرال دار بعضی اطلاع از چنین احتمالی مورثت با یکصد نفر و مهمات کافی و توپ و نقشه بان سمت روانه شد همینکه باجا رسید شخصا داخل باغ شد و چون آن جمعیت را مشاهده نمود کرد که برای عدم اطاعت فرامین او مبنی بر منع اجتماع پیش از سه نوری درآجا مجتمع شده بودند بدون اینکه باین کوشندگان بی گناه اطلاعی دهد ، بدون اینکه از هویت و مقصد آنها احتیاط نماید ، همراهان خود را امر بتلیک نمود این محبوسین تیره سخت در وسط ادای نماز ماکهان خود را هدف تیرهای دلدوز دیدند در صدد مقاومت و ستیز برنیامدند ولی برای استخلاص خویش بدرهای کوچک باغ هجوم نمودند ، درهارا قشون محکم گرفته بود ژنرال مجدداً اعلان

۱ - ایضا ص ۴۹ و ۵۰

۲ - ساندولاند ص ۴۳۸



قفس بزرگی ساخته و محبوسین را پس از تازیانه زدن در آن جای داده در مقابل آفتاب سوزان آویزان نمود . چند نفر محبوسین دیگر را با طناب های محکم بهم بسته و مدت پانزده ساعت در میان اتومبیل های سرباز نگاه بیدارست امو نمود چندین نفر از مقدسین را مرهنه کرده و بدن آنها را با آهک مستور نموده و در مقابل آفتاب آتقدر نگاهداشتند تا پوست بدن آنها ترکید . لوله الکتریکی آب را که مخانه اهالی باز میشد قطع کرده و امر نمود نمود که تمام بادزنهای الکتریکی که در تصرف هندیه است بلا عوض و مدت مدولت تسلیم گردد . بالاخره چند طیاره را مامور نمود که رفته و مزارعی را که جمعی بیچاره و زحمت کش مشغول کار بو بودند بمبار و مان نمودند . (۱)

تا مدت ششماه تمام دنیا را از کیفیت این عیاشی وحشیانه که ناشی از يك روح خبیث میلتاریسم بود بی اطلاع ماند . پس از اینك مدتها از واقعه مزبور گذشت کمیسیون تحقیقی از طرف دولت تعیین و راپورت مهم و پیچیده ای تقدیم نمود . کمیسیون دیگری که از طرف کنگره ملی تعیین شد پس از تفحصات زیاد معلوم کرد که در این حادثه ۱۲۰۰ نفر مقتول و ۴۶۰۰ نفر مجروح شده اند (۲) ژنرال دایر از طرف مجلس مبعوثان مورد انتقاد و توبیخ واقع شد .

مجلس اعیان او را تبرئه و بایکمقرری مکفی متقاعد نمود : میلتاریسمت های امپراطوری بریطانیا این اندازه جبر انرا برای او کافی ندیده و ۱۰۰۰۰۰۰ دلار برسم جائزه برای او جمع کرده و شمشیر جواهر نگاری بیاس خدماتش تقدیمش نمودند (۳)

هنگامیکه تاگور از این فاجعه مطلع شد مکتوب ذیلرا بنائب السلطنه نوشت و مدد اهلایرا که از طرف دولت انگلیس بوی اعطا شده بود در جوف آن مکتوب مسترد داشت .

۱ - رود ص ۱۸۹ : شیرول ص ۲۰۹

۲ - کری وبارک ص ۱۹۵ : شیروال ص ۲۹۰ ساندرو لاند ص ۴۴۴

۳ - ساندرو لاند ص ۴۴۴

در روز هفدهم ماه نوامبر که ولعهد به بمبئی رسید تعطیل عمومی و وارث يك مملکت وسیع با ۲۲۰۰۰۰۰۰۰ نفوس خود را در میان کوچهای شهر تنها و درها را همه بسته دید . مستقبلین او هبارت بودند از افراد انگلیسی و چند خر تاجر پارسی . همینکه مردم از نفاق و عدم همراهی پارسیان آگاه شدند از کلبه های خود بیرون ریخته و بایک بی انتظامی که مخصوص اینگونه انتظامات است خانه تجار مزبور را آتش زده و پنجاه و سه نفر را کشتند . (۱)

کاندی که در اینموقع در احمد آباد بسر میبرد و با کمال تاجر و تاسف از حوادث فوق اطلاع حاصل نمود آیا ممکن بود نسبت اهالی مملکت و هموطنان او بدرجه قسارت قلب بر برطانیا برسد ؟ با کمال عجله و شتاب بسمت بمبئی حرکت کرد و بدستجاتی که از هر طرف با استقبال وی آمده و او را با هله و شادمانی احاطه نموده بودند ابلاغ نمود که آنها بواسطه ارتکاب این عمل فجیع خود را بدرجه ژنرال دایر تزلزل داده و همطراز او نموده اند .

پس از این حادثه کاندی با کمال یاس و حزن و اندوه بمدرسه قدیم خود پناه برد . هنوز هموطنانش لیاقت انقلاب آرم را واجد نشده و مانند سایر مجامع بشریت دارای جنبه جوانیت بودند . مشارالیه مجدداً روزه گرفت و روی نیاز بدرجه خدایند بر زمین مالید تا بالاخره بوی اطمینان دادند که ولعهد هنگام ورود به کلکته شهر مرده و غیر مسکونی را که اثری از شدت و هیجان در آنجا مینموده در مقال خود دیده است بمبئی تعطیل عمومی در شهر کلکته با کمال آرامش و سکوت انجام گرفته و اصول عدم اشتراک مساعی بدون اعمال شدت و اجبار بیوفج اجرا گذارده شده و لسی در همین اوقات يك حادثه در موینده واقع در جنوب و حادته دیگر در چاوری چاوری واقع در شمال هندوستان حادث شد که سیاه توپن لگه ای را در صفحات تاریخ انقلاب باقی گذاشت نفاق و اختلاف بین هند و مسلم روز بروز بر شدت خود میفزود . احیاء هندوئیسم توسط رامنا کریشنا ، و بهو کانادا ، و اروپا سوماج دایره این اختلافات را وسیعتر نمود . هندوهای لجوج در مقابل



مساجد مسلمین که ارشیدن خدمات موسیقی اگرچه دارند بنواختن خدمات موسیقی  
مبادرت کردند : در بعضی از نواحی هندوستان مسلمین را در طبقه مردودین  
قرار دادند : از آنجائیکه پیغمبر مسلمین پیروان خود را از راه خواری و  
نموده بود چندی بهر مسلمان در زیر بار قرض هندوها بودند : مسلمین  
ستایش مثل راهی از شرک میباشند هندوها تمام کوی و برون را با  
آمال جداان بر میگرددند : مسلمین قائلند که جدا بودند و دگر که لباس خود  
خود را از طرف چپ میبندادند و ای هندوها بهر از جدای مختلف مستند و  
دگر که این خوش در طرف راست می بندادند (۱) از سال ۱۹۰۳ تا سال  
۱۹۲۷ واسطه اختلاف بین این دو دسته ۱۵۰۰ نفر مقتول و ۵۰۰۰ نفر  
محرور شدند (۲)

مهرن سیک جویس بین آنها در ساحل الالار واقع در مویله در  
مویله بسیار با ای و بد اعتد داشتند که کشتن هر یک را هر دو  
هندو در پیشگاه خداوند تقدس میدادند و میشود این سچا که از  
در سو و لوك وقت رطابا با مسلمان شری را ک بی اندازه خصمان بودند  
تا که رسد امور انیسوی مایه ام کرده و در هر در آنها  
مقتول بودند چنانچه اعتدای و مسای جو شرمسا بودند هندوهای را  
که از آنها دل نداشتند مورد هجوم قرار داده شدند در آنها را  
انواع آزار که در حد ها دیگر از آن روز و هر در برای که از  
قرانی کردند (۳)

چنانچه در راه اندوای بهائی زیاد که پیش از دهه اولی از سحر  
انقلاب در آن روز در هندو در ریزه سال ۱۹۲۰ میلادی معایشای بر سبب دادند  
پهت و در و افراط این اهتمام بطوگری از ادامه مایهات بوده  
معرض عامور شد و دسته خه با نهایت قهر و عصب آن عده را مورد

۱ - کابلی ص ۱۰ و ۷۵ زبانه ص ۱۳۸ : ورد ص ۳۷۰

کتاب - آناه هندوستان ص ۳۰

۲ - راپرت سیمون جاد اول ص ۴۷

۳ - ایضا ص ۱۱۹ : لودز ص ۳۲۶

حمله قرار داده آنها را بداحله قرار داده و طعمه آتش نمودند ( ۱ )  
 دولت در مقابل این عملیات آمیخته اشدت و اجبار ۴۵۰۰۰۰۰۰۰ را از  
 زن و مرد ، توقیف و محسوس نمود ( ۲ )

در همین موقع کابلی اقدامی معادرت نمود که قدرت احلاقی اور  
 که در تاریخ بشریت بی نظیر است نام و مقام کرد از طرف آخرین دوره  
 کنگره ملی بوی اجاز داده شده و که هر موقع مقصدی بداند عند اشتراک  
 مساعی در مذکور اعلام مید و هر وقت لازم بود در حاتم دهد کابلی میدید  
 که بعضی عناصر با راهی عصر ه . . . . . با اجرا حوال انقلابی  
 منشی و چو ی چورا همست بودند . . . . . این عملیات ثبات  
 گردید که ر . . . . . و آنها هم مانند انقلابیها از این روزها در گذشته دارنده  
 سیاست که این انقلابیون حوال اعتماد چنانچه . . . . . صاحب امور انقلابی  
 داشته و در گذشته که باخره دشمنی نسبت وینچه ای ادر در حرم آمد و  
 مترمید ، اما عصر مذکور این قبل عملیات را طلعه نمود . در انقلاب آمیخته  
 اشدت و اجبار صورت نگیرد .

نمود او هیچ مانع نمیکرد که ممکن است شدت و اجبار در انقلاب  
 منتهی موافقت شود . اینجهت حرم خود را حرم کرد و در این عقیده بدوچه  
 حق الیمن رسیده بود که شکست در انقلاب آمیخته با اید و اجبار است ایمان  
 راسخ ری اصل فوق اورا و انداز کرد که تمام اهالی هندوستان در هر گوشه  
 مملکت اعلام نمود که اید ، عدم اشتراک مساعی حاتم بدید و با این اقدام  
 بحیر و محبت گاه اهالی هندوستان و انگلستان را به منبها درجه رسانید .  
 همه مخالف از طرف صده هر ر انقلابی و بیست و ابار به صحت مید اند شد  
 هیچ منعی این اقدام را نماند . آنها مسام شده و که غایت آنها  
 از کای قلاب را با این اقدام مبررند کرده است

با وجود گوناگونی مذکور ، انقلاب مذکور منتج و منعی تاج گردید که  
 تا آن موقع خارج از دایره امکان تصور میشد . ملت که بوسه مسعرق  
 موهومات و افکار دینی و پیش از انداره علاقه مند بدنیای آینده بود ، ملتی  
 که بواسطه اردییا کدشتکی با کمال سهولت طوق عبودیت بگردن میگردت بواسطه

۱ - حال ص ۴۵۰

۲ - رولاند ص ۱۹۷

حوادث مذکور مجرای فکر خویش را تغییر داده از انگار شاعرانه به حقایق و از آسمان بزمین متوجه شده بود ملتی که در نظر دنیا فرسوده و نیم مرده جلوه کرده بود اینک روح جوانی را از سر گرفته و طلیعه یک زندگانی عالی ویر از روح قدرتی در آن پدیدار شد. ملتی که بواسطه اختلافات نژادی و در اثر تقسیم شدن صدها ایالات متصل و مجزا که در زبان و روحیات و شمار و دراصل و نژاد باهم متفاوت بودند فاقد روح ملی و حسن وطن پرستی بود اینک دیوارهای مرتع را میان خود برداشته و طریق وحدت و یکپارگی می یمود اینک هندیان نیز جرأت و همتی پیدا کرده و توانستند روبروی فرمانفرمایان خود باقامت افراخته بایستند: از طرف دیگر انگلیسها نیز کمی خم بیازوی خود آورده و از بردگان و غلامان خویش تا اندازه ای حساب بردند. شروع یک انقلاب بزرگ و وسوم بر همه کس مسلم شده بود.

### • — دربین انقلاب

اگر اولیاء دولت پس از صدور اعلامیه ختم نهضت از طرف گاندی مبادرت بتوقیف او نمیکردند شاید از نفوذ و اعتبار او بواسطه افراط در ایشان نفس و فداکاری اخلاقی کاسته میشد ولی توقیف او باعث شد که کر چه از یکطرف بعضی پیشوایان از نعمت نفوذ و تسلط اخلاقی او خارج شدند ولی توده ملت در پیشگاه عظمت اخلاقیش سر تسلیم و تکریم بر زمین سائیدند عامه مردم دیگر گاندی را جزء شهداء و مقدسین بشمار آورده و عکس او را در ردیف عکس خدایان زینت بخش اطاقهای محقر خود نمودند، در یک نابو نفیسی که در میان پیروان گاندی دست بدست میگردد او را در مرکز یکمده از مقدسین و پیران عظیم الشان مانند بودا، کریشنا، مسیح، و تولستوی، لنین، و مارکس اسوینی جای داده بودند (۱)

در سال ۱۹۲۱ که گاندی آزاد شد مشاهده کرد که قدرت و تسلطی درهم شکسته است. یکمده از پیشوایان جدید که خود را حزب اسواراج (خودمختاری) میخواندند قدم بصحنه انقلاب گذاشته و کوشش میکردند که بوسیله دست پیدا کردن در اساس حکومت آنرا بطریق قانونی در تحت تسلط خویش در آورند و بخود مختاری نائل میشوند. کسانی که با روحیه نژاد

انگلیس آشنا بودند باین خیال و آرزو میخندیدند ولی کاندی بواسطه شکست های متوالی، روزه، حبس مرض و عمل طبی برای رفع آن، بقدری ضعیف و ناتوان شده بود که باکمال رضا و رغبت میدانرا به پیروان طریقه جدید و گذار نموده و خود در داخله مدرسه حقیقت جویان مستکف شد. راهنمایان جدید هندوستان چندین قسم بودند. یکی از آنها جیتار انجیاداس رئیس و قائد اسواراجیست ها بود که بواسطه عواطف رقیق و احساسات تند وطنی تمام هم حویش را مصروف توسعه و پیشرفت نهضت نموده و بالاخره بواسطه افراط در کار در عنوان شباب و بهار جوانی مدروود زندگانی گفت. این قائد جوان معتقد نبود که چرخهای دستی کاندی حافظ استقلال صحنی تواند شد، ولی میترسید مبادا پس از آزادی و استقلال هندوستان غارت و جیاول داخلی جای تطاول و پشامی خارجی را بگیرد. او نیز از پیشرفت و تعمیم اصول مگانیکی مغرب در هندوستان متوحش بود و امید داشت که صنایع ملی و داخلی در تمام نقاط و در انصاف قراء هندوستان تعمیم یافته و از تحت اقتدار و تسلط حکومت خارج شود (۱) مشار الیه یکی از عناصر ابتدالی بود. خود او میگوید: ما مایلیم در تحت لوای امپراطوری بریطانیا بسر ببریم بشرطی که این مسئله منافی تشکیل یک اساس حکومت ملی و داخلی در هندوستان نباشد. تنها چیزی که بعضی از جوانان مارا بشگر استقلال و تجزیه کامل از امپراطوری بریطانیا انداخته اینست که سیاست آن دولت بروی تنگتر و تصق استوار نمیباشد. (۲)

پیشوایانی مانند آنه بز ان خانم انگلیسی که از سال ۱۸۹۳ در هندوستان مفیم شده بود هر قدر با پیام عمرش افزوده میشد بیشتر از پیش بروی مسلم می گردید که تحصیل خود مختاری نه تنها باید بارامش انجام یابد بلکه هر قدمی که در این راه برداشته میشود باید مطابقت کامل با قانون داشته باشد. قائدین دیگر از قبیل (مادان موهان مالویا) (موتیلال نهرو) و (والابهای یاتل) رئیس مجلس دهلی نفوذ و اقتدار خود را بکار بردند که نکذارند نهضت عمومی از دائره قانون خارج شود. ولی (نهروی جوان) و (جواهر لال)

۱ - گوئن ص ۴۲۰

۲ - زیمانک ص ۲۵۵

که در سال ۱۹۳۰ شهرت و عظمت زیادی کسب کردند از پذیرفتن اصول آرامش و عدم اعمال شدت امتناع می ورزیدند و قوانین و اصولی را که اجانب وضع کنند نباید مانده‌ها قوانین مدنی مورد ستایش و اطاعت و احترام قرار داد، پیگندسته کوچک از کمویسینها روسیه را بمنزله سر مشق حویتی قرار دادند. پیگندسته کوچک از کارگران صنعتی شهر نشین چندین بار تا مدت طولانی اجانب بودند، این دو دسته صحنه سرخ رنگی بتاریخ بهمن ماه هند افزیند سارو جی پیگند و نماینده زبان آزادخواه هندوستان بهی و در شهر عالمدم املائی و حلی به حرارت وجودی بود از همه خریس و مرموز و دورانی که از همه عالی مقام بر بااست گمگره ملی هندوستان انتخاب شد وطن دارا که آتش به جان مستمبین انداخت ایراد می

سر داران عزیز من مانند، سر داران رشید من بیائید، من ز بی ایون و شاعر باجیزم مانند بگزن شمارا اصلاح ابدان و امید مسلح میکم و سر ستاعت و بردباری را دست شما مدهم، مانند يك شاعر شکسته دل بفرق سلامتی را که بمنزله شاپور حاضر باش جنک است باهتر از می آورم، جبطور می توانم شعله ای را که باعث بیداری شما از غفلت در اسارت است منطقی سازم

### ۶ - کمیون سیمون

در وسط حوشش این اروح کمیون سیمون رسید، اصلاحات متقا کو و چلده مورد بموقم اجرا گذارده شده بود، دارنمان انگلیس پس از ده سال در صدد اهزام يك کمیون تحقیق برای طرز اجراء و همین نتایج خوب و بد و طریقه تکامل این اصلاحات برآمد، این کمیون که از طرف کابینه محافظه کار تعیین شده بود عبارت بود از سه نفر عضو حزب محافظه کار در سر آزادی حواء و در هر کار که همه نمایندگان پارلمان بودند این چند نفر در زاویه ۱۹۲۸ طرف هندوستان رهسپار شدند

در بدر امر ملک هند امیدوار بود که این کمیون برده از روی حقایق بردارد، وضعیت احوال آنها را برای ملت انگلیس روشن و آشکار نماید، نواقص و نقایص اصلاحات را معین کند و جامعه انگلیسی را از

صودیت عملی ملت هند واقف و مطمئن سازد؛ ولی همیشه مشاهده کرده‌ام که از افراد هندی عضویت این کمیسیون را ندارند دچار بیعت و حیرت شده‌اند. هندیها خوب میدانستند که یکجمله انگلیسی که اعصاب آنها محافظه کار و همه آنها از لحاظ تجارت و اقتصاد علاقمند باستعمار هندوستان از طرف دولت برطانیه هستند ممکن نیست از روی «اتر» و «مدردی» حقیقت در بعضی و مدلت جامعه هند را مورد مطالعه قرار دهند. مشایخ و قاضیان هند در هر طبقه و طایفه اعلام کردند که در مورد خود و اندک پیش کمیسیون سمپور را چه می‌خواهند کرد و حاضر به پرداخت آن که بهمان آن آنها نسبت احوال آنها را تصویب نماید.

در روز سوم فوریه ۱۹۲۸ در کمیسیون بر روی زمین شهر بمبئی گردید مشاهده کرد که سراسر شهر در تظاهرات و اعلام آوازی و سه کمیته‌ای برپا شده بود. در آن روز کمیته‌ها مطالب گوناگونی را در روزنامه‌های که توسط خود می‌نویسند منتشر کردند. سرژان سمپور برای حیران کردن پیش از آن که مجلس اعلامیه‌ای منتشر کند در مجلس مرکزی هندوستان در حواشی نمود که يك کمیته‌ای نام «آندیا ری هندی» تشکیل دهد تا در دوپن مساعیرت کمیسیون برای حل مسائل آن مشارک مساعی نماید. بعضی از حاضران اعتدالی اندکوت جواب دادند ولی جامعه هند بوجهی از نظر کمیسیون هر جا رفت از طرف آزادی خواهان بیچ علامتی که حاکی از توجه آنها نسبت بان باشد پدیدار بود. برعکس هر شهر، ورود به مردم بطور عمومی اعلان و عموم احزاب گذارده می‌شد. ما بر این در واقع به مارس هندوستان را ترك گشت.

در اوت ۱۹۲۸ مجدداً مراجع و تا آوریل ۱۹۲۸ در هندوستان ماند. بحرام بقرا از سابق ادامه داشت و باور این کمیسیون که آزادی خواهان دنیا بان امیدها داشته و منتظر بودند قسمتی از مشکلات هندوستان را مرتفع نماید و تعیین کند که چگونه ممکن است هندوستان آزادی و استقلال باطل شود و در عین حال دارای عضویت امپراطوری باشد، در سال ۱۹۳۱ تهیه و امید کلیه دوستان این هریت و استقلال دنیا را بیاس

مبدل نمود از آنجائی که پس از مطالبات سطحی نوبه پیشنهاداتی که براتص  
از اصلاحات متناکو و جامسورد زبان آور تر بود رسیده بدنیا ثابت و مسلم  
گردید که این کمیون از اجراء وظیفه حقیقی خویش قاصر آمده و معنا  
دست نشانده عناصر محافظه کار و مامور است که پارسمانی که از طرف  
این عناصر بوی داده شده دست و پای هندوستان را مقید بقیود  
بیشتری کند .

کابینه ماگدونالد مجبور شد که هیچیک از اعضاء کمیون راجسویت  
کنفرانس معروف هند و انگلېس که در اکثر هیابستی مفتوح شود نپذیرد  
مطلبینی که معرفت کامل باوضاح هندوستان داشتند فهمیدند که راپورت کمیون  
سیدون مجاهدات متعادی ماگدونالد ولورد ایروین را برای استقرار آرامش  
در هندوستان عظیم و بلا اثر گذاشته و بر مشکلات کور بسی افزوده بود  
اصول اساسی راپورتنی که بواسطه احاطه شدن با مسائل تاریخی و  
اجتماعی حقارت آمیز جز متخصص سیاسی کسی دیگر نمیتواند ماهیت آن  
را تشخیص دهد بهارت از این پیشنهاد است که هیئت مقننه مرگزی باید بعد  
از این توسط مقننه های ایالتی انتخاب شود نه از طرف مردم : قدرت و  
اختیار این هیئت باید یکنلی تجدید گردد و هر ایالتی از حکومت مرگزی  
مجزا و مستقل شود : قدرت و اختیار حکمداران ایالتی و شخص نایب الساطنه  
بهمان وسعت و قوت اولیه باقی بماند . دولت کمیون پیشنهادات خوبش را که  
بیش از پیش باعث تجزیه ایالات و بروز اختلافات و کشمکشهای ناگوار بود  
لباس حق بیجانبی پوشانیده و شکل فریب دهنده ای بان دادند یعنی مقرر داشتند  
که نسبت کسانی که حق رای در انتخابات دارند از سه در ۹۰۰ به ۱۰  
در ۱۰۰ ترقی کند . (۱)

یکی دیگر از پیشنهادات مندرجه در راپورت مذکور این بود که سواد را  
جزء شرایط حق انتخاب قرار می داد . ( البته اگر حد اقل میزان سواد  
که باجمع بودن سایر شرایط حق رای باشد خاص می داد همین باشد این پیشنهاد  
ممکن بود مفید واقع خود زیرا در این صورت اکثریت مجلس مقننه با

اعضاء آزادی خواه میشد ( انتخابات عمومی می باهستی دولت باید (۱) اصول  
 علولراطوابی اسماً ملتی میشد و منافع ومصالح دولت بریطانیا که قبلاً با این  
 اصول حفاظت میشد اینک بواسطه قدرت و نفوذ حکمداران ایالتی و نامین  
 میگردیده البته حکمران ایالات را تودا ملت با مجلس انتخاب نمیکرده سمت  
 حکمرانی مخصوص کسانی بود که از طرف دولت بریطانیا گماشته میشدند  
 بموجب پیشنهادات راپورت مذکور این حکمران دارای اختیار و قدرتی مطلق  
 بود و می توانست بمقتضای وقت مجلس مقننه را منحل کند . (۲)  
 هیئت فدرال بدو مجلس تقسیم می شود و قسمتی از اعضاء هر يك از  
 این دو مجلس مطابق تناسب معینی از طرف شخص نایبالمسلطنه انتخاب  
 میگردد ، به تناسب ما بین افراد هندی و انگلیسی که در دوائر کشوری  
 مشغول خدمتند تغییری داده نشد . (۳) نمایندگان مجلس فدرال مسؤل هیئت  
 مقننه ایالتی می باشند به مسؤل مردم . این نمایندگان از میان هفتصد ایالت  
 بومی انتخاب و اعزام میگردند (۴) زیرا این ها چون در تحت خود و  
 قدرت فرمانرما بان ایالتی می باشند علاقمند بنفود مختاری و آزادی نیستند شخص .  
 نایبالمسلطنه مانند سابق حق دارد هر موع برای حفظ مصالح دولت امپراطوری  
 لازم بداند اقدام بانحلال مجلس نماید (۵) از آنجائی که هندوستان بواسطه  
 موقعیت جغرافیائی همیشه مورد توجهات اجانب از خارج و معرض اختلافات  
 جزئی و فرقه ای در داخل است ، قشون این کشور نیز باید مانند امریکا  
 و تا بك آینده غیر معینی بهر ترتیب و بهر شکل باشد ، در تحت و حفاظت  
 و مدیریت عمال و گماشتگان دولت امپراطوری باقی بماند (۶)  
 واضح است اگر مدیریت و نظارت قشونی هندوستان بدست گماشتگان  
 خود این مملکت که افراد و بودجه آن را تهیه می نمایند منتقل گردد دولت

۱- راپورت سیمون ص ۹۱ جلد دوم

۲- ایضا ص ۶۵

۳- ایضا ص ۳۶

۴- ایضا ص ۲۹۵

۵- ایضا ص ۱۸

۶- ایضا ص ۲۱ الی ۳۳



امپراطوری مجبور است اساس روابط خود را با آن بر روی بیان و داد  
آمیر تری قرار دهد .

۷ - ۱۹۳۰

کنگره ملی گل هندوستان در دسامبر ۱۹۰۸ در شهر کلکتا جامعه‌ای  
تشکیل داد . اعضاء این کنگره در این موسم بالغ ۵۱۰۲۷۶ د عدد حاضرین  
آن ۱۵۰۰ نفر از زن و مرد مسووب مهر فرقه و طبیه و دیند . مدنی  
من او اعه جلسه مذاکره لورد اربنك و كنگر السلطه وقت در صد بود كه  
وسايع و عده اهل هند خود مجادلي از آبا بر معارض عدم صامت عدوي  
را در معرجه نمايد . ولی در آنجا ننگر و عده و عید از من از مراد فریب دهنده  
سیر مذاکره در باره سال قبل بحال صاب هند بر بود ، بشواید ملت  
داشت او را كه فاهد ، ریح حسن و بصورت در طر جامعه فاهد مهر و عید  
بود وی بر گرداننده کنگره را بر (۱۹۰۸) بر این وسوسه مدی می آید و  
حوصله به آمده غیر معلوم که همه با امید گهره شدر و از من ریش اصل  
موضوع داد . میشد به يك آمده و اعلان داد كه اگر با آخر سال ۱۹۲۹  
خود مختاری هندوستان اعطا شده ، این مملکت در مدرجه بکاماد ، نرفقای  
حدونی ، استرالیا و ریالند جدید ارتقاء بخورد اعضاء کنگره در اول ژانویه  
۱۹۳۱ اعلان انقلاب برای تحصیل استقلال کامل خواهند داد اگر هندوستان  
با بکامادا در يك طرار قرار بکند مانند دول متحده امریکا ، استرداد حقوق  
و تحصیل حریت و استقلال مادرب مسکن بکندی از کنگره در خواست بود  
كه بجای يكسال دوسال بهت فائل شوده کنگره مسؤل اورا ، در کرد بکندی  
از صمیم قوی را پذیرفت .  
در روز اول سال ۱۹۳۰ کنگره ملی در لاهور معقد شد دولت  
کوچك برین مدعی را برای آزاد کردن هندوستان بر نداشته . در مگر اینکه  
در اول نوامبر ۱۹۲۹ اعلان بود كه عنقریب دولت امپراطوری ریطابیا  
برای حل قضایای هند و تشکیل اساس دولت جدیدی صادرات با تشکیل کمراس  
میر مدور خواهد کرد . هنگامیکه از لورد اربنك سوال کردند كه آبا  
این اساس جدید بر روی بیان خود مختاری استوار خواهد بود یا حیر جواب



کرد. در بین راه بهره‌ده که میر سید مردم تو صبه مینمود که از پرداخت مالیات سنگین و کمر شکن نمک خودداری کند. در روز شانزدهم آوریل بساحل رسیده، بانبخیر کردن آب دریا نمک تحصیل نمود و باین نحو قانون انحصار دولتی نمک را درهم شکست. در روز نهم همان ماه دویز از سرانض توقیف شدند. در روز چهاردهم (تهروی جوان) رئیس کنگره ملی بجرم تجارت نمک توقیف و (سن کونیا) اتهام خلاف قانون رفتار کردن محبوس گردید. در روز سوم ماه مه کابندی برای دو مین دمه توقیف و یزندان گسیل شد.

در گیرودار این کشمکشها توده ملت فدائیکاری و شجاعتی که در تمام تاریخ گذشته حیات آن بی نظیر بود از خود بروز میداد.

در روز ۲۳ مه در شهر یشاور عده کثیری برای اعتراض بر علیه توقیف روساء کنگره ازدحام نمودند. مطابق یک راپورت رسمی در این شورش ۲۰ نفر تلف شدند. ولی راپورتی که عبدالکسوری از واقعه مزبور تهیه نموده بود در مطبعه بدست مامورین حاکموز افتاد. بطوریکه از مند رجبات ساده این راپورت مستفاد میشود حقیقت واقعه مزبور طور دیگر بوده است. در این راپورت چنین نوشته شده که بی نظمی و عدم ترتیب بهیچوجه در کار نبود: حتی کوچکترین علامتی هم که دلالت بر وقوع بی نظمی نموده وباعت وحدت اولیاء امور بشود وجود نداشت. دستجات مردم با کمال انتظام و آرامش در تمام احوال از گوجه‌ها عبور میکردند. در مؤنسیکه جمعیت از خارج درو بطرف شهر میآمدند که اتومبیل زره بونی ملول از سرباز رسیده وبدون اینکه بوق بزند و مردم را خبر کند که از سر راه برکنار بروند یا کمال لاقیدی و بی اعتنائی نسبت بتیجه کار خود بمیان جمعیت زدند. چندین نفر اشخاص بی گناه در زیر اتومبیل مانده جمعی بشدت مجروح و سه نفر در همانجا بطرود حیات گفتند باوجود این عمل که طبیعتا تولید هیجان و غضب میکنند رشته انتظام ازهم کسبخته نتند و مردم از حدود آرامش قدم فراتر ننهادند. در همین موقع بکنار صاحب منصب انگلیسی که سوار موتور سیکلتی بود با کمال سرعت از آنجا عبور کرد ولی درین این حوادث چه بسراو آمد هیچ معلوم نیست. در اینخصوص دوروایت وجود دارد. منابع نیر رسمی

میگویند که مشار الیه همینکه با نجا رسید شغل خود را گشوده جمعیت را مورد تلیك قرارداد و یکی از مجروحین نیر او ضربه‌ای بسرا او فرود آورده و او در همانجا کشته شد. روایت دیگر اینست که او مؤنوسیکلت خویش را در همانوقت یکی از اتومبیلهای زره پوش آتش گرفت آتش زد . يك روایت میگوید که جمعیت بان آتش زد خبر نگار دیگر میگوید این احتراقی يك حادثه ناکهانی بود . بگذریم سربازان انگلیسی بان نقطه رسیده و بدون اطلاع در میان آن جمعیت که اکثریت آن را زن و بچه تشکیل میداد تلیك نمودند .

در این حادثه جمعیت مزبور خوب نشان داد که درس عدم اعمال شدت و نهضت آرام را بقدر خوب از معلم فرا گرفته است . وقتی که صف جلو مجروح ... شده بزمین افتاد صف دوم سینه های خود را برهنه کرده جلو آمده ، خوبستن راههای دلدوز سربازان قرار میدادند . . . به بدن چندین نفر بیش از ۲۳ گلوله اصابت کرده بود . . . تمام جوانان با هزیمت و اسلح صاف کشیده و بدون اینکه در صدد دفاع برآیند خوبستن را مورد تلیك قرار دادند يك پسر جوان از قبیله سیخ با نهایت رشادت جلو سربازی ایستاد ، سینه خود را برهنه نمود و از سرباز درخواست کرد که گلوله ای در قلبش جا نهد سرباز وظیفه شناس بدون ارتعاش و تردید خواهش وی را بعمل آورده و او را شهید کرده . زنی پیر و ناتوان دهن تمام افریبا و دوستانش غربت مرك چشیده با مجروح شده اند ، سینه پیر کرده جلو آمد ، پیر خورد شدیداً مجروح شده و افتاد مردی پیر و شکسته که طفل چهارساله ای را در دوش داشت در جلو سرباز دیگری آمده از وی خواهش کرد که هدف نیرش قرار دهد . این سرباز هم مانند همکاران دیگر خود به بعض شنیدن این حرف گلوله ای در قلب آن پیر مرد جای داد . پیر مرد در حالی که طفل ناتوان را در آغوش داشت بزمین افتاد . اگر تحقیقات بیشتری بعمل آید معلوم میشود که بیش از صد نفر باین نحو وبا کمال مظلومیت بشهادت رسیده اند .

جمعیت باوجود تمام این حوادث ناگوار با کمال ثبات و استقامت و عبات در جای خود ایستاده . . . از گاهی بگاهی مورد تلیك های سخت واقع

شد تا اینکه آن ناحیه را از اجسام مقتولین و مجروحین مستور گردیدند و  
انگلیسی و هندوستان منظمه لاهور که اخبار رسمی در آن مندرج میگردد  
مینویسد که افراد آن جمعیت یکی بعد از دیگری حار آمده خود را در معرض  
شلیک قرار میدادند وقتی که صف اولی مقتول و معروح شده می افتاد صف  
دوم آنها را کنار برده و حوشت را بپوشای آنها قرار میداد این حادثه از  
ساعت یازده صبح تا پنج بعد از ظهر طول کشید .

در اینها در جمعیت روش و عمر قابل انگار را باید اهمیت داده  
در نظر گرفت. از اینها میتوانیم این حادثه را بیچرخه ببری در طرف جمعیت  
انداخته شد نه از اینها و نظامیان و به هیچکس دیگر . . . نگردد  
چون اینها در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
و اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
کسی تا اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
بچند هزار نفر و آنچه بچند هزار نفر و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
چندین بار که در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
قتل عالم باغ چاندپور هندوستان در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
رسید . . . اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
طوباط مردم . . . اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
یک مدتی که اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
دانش اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها .

افراد بیس که عسرت از مسوولهای بی عاطفه سووات و در اینها  
فرمانده . . . اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
آوردند که بدون عیب و احدی در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
این افراد چوهای بدون اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
سر مردم نکال داده و آنها را تهدید نمودند .

چون مقاومت در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها و در اینها  
بدون اینکه مدافعه بعمل آورند پیش می رفتند تا اینکه صف جلو در اثر  
ضربات متوالی بگلی از خود بیخود شده و مدهوش و مجروح بروی زمین  
افتاد . یکصدتاج اجساد همه جان آنها را کنار بردند و چون جای آنها خالی

ماید صف دوم بدون اینکه دست طرف یبسی دراز کند یا حره ای استعمال نماید فوراً جای صف اول را گرفت . این عده هر در معرض ضربات متوالی در سر در صورت ، در تهنگاه رافع شده ، مدهوش و محروم بر زمین افتادند مسترو به میلر مدیر اخبار اروپایی ( حرانند متحده ) که خود شخصاً ساطر حوادث آنروز و د میبویسد .

در ۱۸ این مدت ۱۸ سال که من در ۲۲ ناکت اطرف حوادث اعلامی متعده ، عدم اطاعت گشودی ، استیضاح ، کشمکش ، و طعنان و ده و غیر کاری گردیدم سطره هیجان انگیزی ماید . طرا امرور دهانسانا بدد وار کسی بشدندم فکر انسانی در حال شدت و اجاز شد . و حار متوجه می گردد و بعضی حدك و حثیر را می فهمد . ای از دیدن يك شاه مردم اردن و آنچه که با اول حوسردی در مهمل حدال موالی باس حاو میرود ، گوچك نرس اندام ده ، عمل بهادرد گرفتار مت وحدت میگردد ، بجای این سطره قدری وام و اثر آور میشد که من طابق بکه ردر ساود و روی خود را طرف دیگر بر میگرداندم

و یکی از عوامل مهم و مثال در استیضاح این بهصورت اتمامی و د که از طرف اقلایون رای حاط نظام عمل ماید . اوئی اصول عدم اطاعت گشودی و بعضی بدون شدت زیادی انعامی وجود آ ، افود گراه و آ هارا بگلی در جهت استیلاء خود آورده بود .

در ۱۹ و ۲۱ ماه ژون این اسعداد و طرا ب عظیم که به عمل مشقت و شدت میشود را به مثل می کرد و به همراه علامت خارجی روح پرورد علی و هم و عظیم بهب کهن سال همدادست تحلی بوده و کنار دیگر امراض بهاش گذاشته . در این دو روز دستجات منظم اقلایون اردن و مرد و نعل بی ای شکل احتیاجی که از طرف دولت اگدا می و مسوع شده و داهر طرف اکمل سکوت و رادش طرف میدان املاطدا رواه شده و حوشن را در معرض ضربات متوالی و بیرحمانه یبسی هادانه فراداده و ماوان ، محروم بر زمین می افتادند .

- بح های مقتدر و توانا که با شمشیر های عریض مسلح بودند دسته

اقالیون ملحق شده ، از استعمال اسلحه خویشی خودداری نموده و خوبتر را در معرض ضربات پلیس قرار دادند تا سر و صورت آنها بقدری مجروح شد که بیهوش و ناتوان بزمین افتاده و خون از زخم های آنها جاری بود :

هیچ کس در هندوستان تصور نمی کرد که این قبیله جنگجو ممکن است روزی اصول چاندی را بپذیرد . نظیر این حوادث جان گداز از وقتی که جنگ بین انسان و حیوان در آسمی تاثیر می رود بر قرار بود تا کنون در تاریخ حیات بشر دیده نشده . گوئی بکبار دیگر مسیحیان قرن اول مورد سخط و خشم امپراطور روم واقع شده و گدال مظلومیت متصل انواع مصائب میگردند .

در میان همه این گشامگی ها و قتل و غارتها نسبت با افراد پلیس هندوستان حس دلسوزی و تامل در هر کسی پیدا میشد . باین افراد دستور داده شده بود که از هر گونه « خلاف قانون » جلوگیری کنند : مسلما نمیشد منتظر بود که این افراد چشم گوش بسته و مطیع بتوانند تفاوت فاحشی بین قوانینی را که از طرف نمایندگان خود هندوستان می بایستی وضع شود و قوانینی را که از طرف هندوی مهاجم و فاتح به ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ نفوس تحمیل میگردد تمیز بدهند . آنها فقط راه و طریق ، اطاعت مطلق در مقابل صاحب منصبان را آموخته بودند . « جنین می نمود که از روی بی میلی و بر حسب اجبار تجربه های خوب قانون را با افراد وارد میساختند . بطوری مشهود بود که در موقع سرگرم شدن صاحب منصبان در گوشه ای افراد پلیس در گوشه دیگر مست شده و فقط برای تهدید مردم خوب هارا حرکت می دادند ولی همین که صاحب منصبی پیدا میشد ، مجبور بودند برخلاف نمایلات باطنی خوب هارا بسرو صورت مردم نرود آوردند . « ولی در اغلب موارد آن شدت و خشونت و آن وحشیگری و قساوت که لازمه قبول شدن بدرجه پلیسی در هندوستان بود بتهدید ترین و فجیعترین شکلی جلوه گر میگردد .

بک نفر که شخصا ناظر قضا با بوده چنین شهادت میدهد : « پلیس البته مردم را باجبر و فشار از آنها میگرفت ، خصیتین مردها را در دست نگاهداشته با کمال شدت فشار میداد تا اینکه آن بیچاره بکلی بیخود شده و

وهوش مبرفت» يك شاهد ديگر اين فاجعه را تأييد کرده و با شهادت خوبش جای تردید در صحت آن برای ما باقی نمیگذارد .

در روز هوازدهم زوئن میس مادلین اسلاید که دختری منسوب یکی از خاندانهای درجه اول ویدریش در بحریه انگلیس امیر ابهر بود مراتب ذیل را که در دهارسانا شخصا ناظر بودم است در جریده ( هندوستان جوان ) کاپدی منتشر ساخت - این حقایق با در مطبوعات متحده اصلا منتشر نشده با مامورین سانسور از طبع آن جلوگیری کرده اند :

« در این روزها که اولیاء امور در ( هوایت هال ) وساملا به پیچوجیه از نهمین و تحریک المراد پلیس بواسطه وظیفه تناسی آنها خود داری ندارند مرا خیال گرفته است که رفته وشخصا بینم تأثیر این « وظیفه تناسی » در وضعیت احوال انقلابیون دهارسانا چه میباشد ؟ من در روز ششم زوئن ؛ هتکامی که آفتاب بنصف النهار رسیده ر در همان چینی که مجروحین میدان دهارسانارا بدانشه سر بیضخانه هواسار انتقال میدادند به آنجا رسیدم بعضی از آنها بقدری مجروح شده بودند که از راه رفتن عاجز وتوسط تخته روان بمریضخانه منتقل میشدند بعضی که جراحاتشان آنقدرها مهلك ومولم نبود از درب مریضخانه پیاده شده وبا کمال مشقت وزحمت بمریضخانه میآمدند .

« دکتر ویرستارهای مریضخانه پیوسته میگفتند « قتل عام گشت و گشتار امروز با کمال بیرحمی و سبیت انجام گرفته است » باطاقهای اطراف رفته و درصدد برآمدم که مجروحین را از نزدیک دیده و درخصوص جراحات آنها بادکترها صحبتی بنمایم وقتی که چشم من باین مردمان دلیر و فدائکار که تا چند ساعت قبل با کمال صحت و سلامت وبدون حربه وسلاح با اعتقاد واضح باصوال عدم اصال شدت بطرف دهارسانا رفته و اینک مجروح وتالان وشکسته در جلو من یهوش افتاده بودند افتاد موی بدنم راست شده ولرزه بر اندام افتاد . دريك گوشه جوانی را دیدم در عنوان شبات که پشت و پهلویش در اثر ضربات چوب قانون بکلی درهم شکسته ونمیواند به پشت بخوابد از طرف دیگر دستها وسینه او بطوری مجروح شده بود که قدرت و توانائی حرکت نداشت . در جسامی دیگر مردی بواسطه شکسته شدن استخوان سینه بازحمت نفس میکشید : در گوشه دیگر يك مرد قوی هیگل مسلمان مجروح و یهوش افتاده بود



• از طبیب پرسیدم • چه جراحی باین مرد وارد آمده ؟ • دکتر جواب داد • در اثر ضربات متوالی که در شکم و پشت پای راستش وارد شده بگلی مجروح گردیده و حیات او در خطر است • هر دو خصیتین او بواسطه فشاری که پایی باها وارد آورده ورم کرده است •

• بیهوشی را بیموده و بطبقه هوقانی رفتم ، در اینجا صدای آله جاسوزی که با جزع و هزع آمیخته بود توجه مرا بحدود جلب کرد. این فریاد جانفراس جوانی بود که از شدت درد به خود می پیچید ، شکم خود را محکم با هر دو دست گرفته و هر لحظه برسریا نشسته فریاد می کشید مثل این • • که از شدت الم و درد دیوانه شده باشد

• پرستار ها اظهار می نمودند که سر به مهلگی به تهبکاهش اصابت نموده و چند مرتبه خون استفراغ کرده است : خصیتین او نیز بقدری فشار داده شده که اعصاب وی بگلی بیحس گردیده است

• بح فشاری آورده و روی اسفند کوفته و شکسته قرار دادم تا رفته رفته شدت بیحسی یافت

• از آن اطاق باطاق دیگری رفته و در آنجا علمه زیادتری از مجروحین را مشاهده نمودیم • با هر کس صحبت میکردم از زجر و تشنگی های روحانیه شکایت میکرد • همه بویک زبان از دست قساوت قلب پاپس و صاحبان انکاپسی و خندی که این بلا را بر آنها وارد آورده بودند فریاد کرده • شکایت می نمودند این بود نمونه کوچکی از رفتار و وظیفه شماری پاپس • ولی آیا شرافت دوستی و ممدات پروری افراد انکاپسی کجا رفته ؟ آیا کدام آدم سنگدل و کدام دولت طالع برای برآکنده گردن جماعتی که بدون استعانت از شدت و اجبار مجتمع شده اند و سایل حارراه ذیل را نگار برده و با این سمعیت و وحشیگری با جمعی باوان معامله نمایند ؟

- ۱ - ضربات چوب قانون در سر ، سینه و معاصله
- ۲ - تهنی کلاه اشخاص را مورد ضربات چوب قانون قرار دادن
- ۳ - مردان را عریان کردن و بروی زمین کشایدن
- ۴ - هورت اشخاص را برهنه کردن و چوب در ... آنها

• جای دادن •

• • - آنقدر خصیتین را تحت فشار قرار دادن که باعث ضعف •